

روایتی از شب‌های میدان امام حسین (ع) و مسجد ۷۲ تن که به میعادگاه عزت و اقتدار مردم تبدیل شد

۸۰ شب حماسه، زیر پرچم غیرت



راه تجربه

فاطمه سیرجانی | اینجا میدان امام حسین (ع) است: میدانی که بیش از هشتاد شب، نبض غیرت یک شهر در آن تپیده است. این میدان، شب‌ها سنگری شده است برای ایستادن، برای فریاد عزت، برای تجدید عهد مردمی که هنوز داغ دانش‌آموزان بی‌گناه میناب و رهبر شهیدشان را بر دل دارند و هنوز پرچم غرورشان را بر زمین گذاشته‌اند. اینجا پیش از هشتاد شب است که زن و مرد، پیر و جوان، کودک و نوجوان روبه روی مسجد ۷۲ تن گرد هم می‌آیند، تا نشان دهند این سرزمین هنوز بر عهد خود ایستاده است. آمده‌اند تا ثابت کنند ایران، در روزهای سخت، یک صداتر و استوارتر از همیشه قدمی نکشد.

شب‌هایی به رنگ اقتدار

انعکاس نور سبز رنگ برگلدسته‌های سربه آسمان کشیده و گنبد فیروزه‌ای مسجد ۷۲ تن، شکوه خاصی به این سوی میدان بخشیده است. روبه روی مسجد، در مسیر پیاده راه بوستان، صندلی‌ها منظم چیده شده‌اند و پرچم‌ها در دست مردمی موج می‌خورد که آمده‌اند سهم خود را از دفاع از عزت این سرزمین ادا کنند. در میان جمعیت، حضور بانوان چشمگیرتر از هر چیز دیگری است؛ زنانی که پایه پای مردان، شب‌های طولانی این اجتماع را زنده نگه داشته‌اند. زهره شریفی یکی از بانوانی است که از نخستین شب، پای این عهد مردمی ایستاده است. او می‌گوید: شب اول که تجمع کوچکی برای خون‌خواهی رهبران شهیدمان و دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه میناب شکل گرفت، فکرش را هم نمی‌کردیم این طور ادامه پیدا کند؛ آن‌ها هم با جمعیتی که بعضی شب‌ها به بیش از دو بیست سیصد نفر می‌رسد. اجتماع مردمی اهالی محله گاز، هر شب پس از هم‌نوایی دعای فرج، با حرکت کاروان خودرویی ادامه پیدا می‌کند. زهره خانم و همسرش پای ثابت این گرد همایی‌ها هستند؛ حتی شب‌های سرد زمستان که باران خیابان‌ها را خلوت می‌کرد، آن دو سوار بر ترک موتور در شهر می‌گشتند؛ درحالی‌که پرچم عزت و اقتدار ایران در دستان زهره خانم، در یاد شبانه شهر به اهتزاز درمی‌آمد.



روایت مقاومت نوجوانان

نظم مثال‌زدنی مراسم، برنامه‌های متنوع فرهنگی، حضور مداحان، روایتگران دفاع مقدس، مادران شهدای امنیت و چهره‌های انقلابی، بخشی از جلوه‌های این اجتماع مردمی است؛ اجتماعی که روایتی زنده از همبستگی مردم است. مصطفی قاسم پور، معلمی که کودکی رادر کوچه پس‌کوچه‌های همین محله به بزرگی رسانده، یکی از فعالان این اجتماع مردمی است. کسی که برای هرچه باشکوه‌تر برگزار شدن مراسم، از هیچ کاری دریغ نمی‌کند؛ از اجرای برنامه گرفته تا راهنمایی کاروان خودرویی، اما نقش پررنگ‌تر او هدایت



وکیل آباد و دیگر نقاط شهر طنین می‌اندازد؛ خیابان‌هایی که این شب‌ها شاهد روایت عزت مردمی بوده‌اند که خستگی را به رسمیت نمی‌شناسند و غرور ملی خود را در قلب شهر فریاد می‌زنند.

نسل بیدار

همبستگی را می‌توان پیش از آغاز مراسم دید؛ جایی که کوچک و بزرگ محله گاز، بی‌هیچ چشمداشتی کنار هم می‌ایستند. از ساعتی مانده به شروع برنامه، کودکان و نوجوانان برای چیدن صندلی‌ها و پهن کردن فرش‌ها می‌آیند. یکی مسئول آماده کردن چای می‌شود، دیگری پرچم‌ها را از شبستان مسجد می‌آورد و به دست کسانی می‌دهد که بی‌پرچم آمده‌اند. آن یکی نقش سه‌رنگ پرچم ایران را روی گونه بچه‌های کوچک تر می‌کشد. جوان‌ترهای محله نیز با لباس‌های فرم، مسئولیت نظم و امنیت مراسم را بر عهده می‌گیرند؛ نسلی که شاید صدای آژیر جنگ را نشنیده باشد، اما خوب می‌داند هنگام دفاع از وطن، باید چگونه کنار مردمش بایستد. نوجوانان و جوانانی چون مهدی، علی، رضا، حسین، محمد، دانیال و ده‌ها نام دیگر، هرکدام گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند تا این پرچم زمین نیفتد و به دنیا نشان دهند ایران و ایرانی یعنی چه.

بانوانی که ستون‌های این حماسه شدند

«در این ۸۶ شب، ما شاهد اوج همبستگی و اتحاد مردم محله، به ویژه بانوان بودیم؛ مشارکتی که حتی تصورش را هم نمی‌کردیم.» این‌ها را مریم حسینی، فرمانده پایگاه مقاومت بسیج خواهران مسجد ۷۲ تن، می‌گوید؛ بانویی که شب‌های طولانی این اجتماع را از نزدیک دیده است. او از شب‌های ماه مبارک رمضان می‌گوید؛ شب‌هایی که بانوان، ساعت‌ها پیش از افطار در آشپزخانه مسجد جمع می‌شدند تا سفره افطار مردم را آماده کنند. از بانویی بی‌حسینی نام می‌برد که هر شب با چرخ خیاطی‌اش در گوشه‌ای از موبک، به دوخت و تعمیر پرچم‌ها مشغول می‌شود. از هانی، ریحانه، محدثه، زهرا، طهورا، نرجس و دختران خانواده حاتمی که نزدیک به نود شب، لحظه به لحظه تصاویر و روایت‌های این شب‌ها را در فضای مجازی و کانال «حوالی میدان امام حسین (ع)» منتشر می‌کنند. حسینی معتقد است دوباره بذر همدلی میان مردم زنده شده است؛ همدلی‌ای که هرچه پررنگ‌تر شود، حقارت دشمنان این سرزمین بیشتر آشکار خواهد شد.

حالی‌که پیش از هشتاد شب از شروع جریان ایستادگی این مردم گذشته است. از فریادهایی که زیر پرچم ایران در میدان امام حسین (ع) طنین انداخت. از اشک‌هایی که با نام شهدا جاری شد. از کودکی که اینجا معنای وطن را یاد گرفتند. اینجا میدان امام حسین (ع) است؛ میدانی که این شب‌ها تنها یک میدان نیست؛ روایت زنده مردمی است که در سخت‌ترین روزها، نه عقب‌نشستند، نه سکوت کردند و نه پرچمشان را پایین آوردند. روایت مردمی که هنوز باور دارند ایران، با همین اتحادها، با همین پرچم‌های برافراشته و با همین شب‌های پرشور، پابرجا خواهد ماند.

نوجوانان و جوانان محله برای نظم‌دهی و اجرای برنامه‌هاست. او می‌گوید: جوانان و نوجوانان، با انرژی و آمادگی زیاد، بخش مهمی از این تجمعات را شکل داده‌اند. با اطمینان می‌توانم بگویم حضور آن‌ها باعث پویایی، استمرار و زنده ماندن این اجتماعات شده است.

قاسم پور معتقد است همین حضور، روحیه جمعی و احساس همدلی را در مردم تقویت و اعتماد به نفس نسل جوان را بیشتر کرده است؛ نسلی که شاید جنگ را ندیده باشد، اما خوب یاد گرفته چگونه پای وطن بایستد.



کاروانی که خیابان‌های شهر را بیدار می‌کند

اینجا هرکس به نیتی آمده است؛ یکی برای ادای دین، یکی برای دفاع از وطن، یکی برای زنده نگهداشتن یاد شهدا و دیگری برای آنکه فرزندش بدانند عزت این خاک چگونه حفظ شده است. علی حاتمی، بازنشسته و از قدیمی‌های محله، سال‌هاست از این محله رفته؛ اما از همان شب اول به همراه همسر، فرزندان و نوه‌هایش در مراسم حضور داشته است. او که پیشاپیش کاروان خودرویی حرکت می‌کند و سیستم‌های صوتی بر و انت دوکابینه‌اش سوار شده، با پخش کردن سرودهای حماسی، نبض خیابان‌های شهر را به تپش درمی‌آورد. حاتمی که سال‌ها حضور در جبهه‌های دفاع مقدس را تجربه کرده است، این شب‌ها را یادآور روزهای همبستگی دهه ۶۰ می‌داند؛ شب‌ها و روزهایی که مردم، شانه به شانه هم، پشت وطن ایستادند. او می‌گوید: حضور مردم کف خیابان‌ها، پاسخی محکم به کسانی است که تصور می‌کردند با شهادت رهبری و فرماندهان این سرزمین، ستون‌های اقتدار ایران خواهد لرزید. کاروان خودرویی مسجد ۷۲ تن، هر شب پس از پایان مراسم، راهی خیابان‌های شهر می‌شود. پرچم‌ها در باد می‌رقصد و سرودهای حماسی در خیابان‌های خیام، میدان شهدا، قرنی، احمدآباد،